

القاعده، الشباب: معادلات جدید در شاخ آفریقا

در حالی که «الشباب» رابطه خود را با «القاعده» تکذیب می‌کند اما با توجه به تهدیداتی که «الشباب» در قبال ورود به سومالی و کمک به دولت انتقالی شیخ شریف شیخ احمد متوجه کنیا کرده است و نیز انفجار سفارت خانه آمریکا در نایروبی (۱۹۹۸م) که القاعده مسئولیت آن را به عهده گرفت، نمی‌توان رابطه بسیار عمیق میان «الشباب» و «القاعده» را انکار کرد.

از سوی دیگر گزارش‌هایی مبنی بر احتمال فرار عناصر مخفی شده «القاعده» در «سوات» به سومالی وجود دارد که برای حمایت از هم‌تایان بنیادگرای مسلح خود در سومالی به این کشور شتافتند. این مسئله از زمانی اتفاق افتاد که بن لادن در یک نوار ویدیویی در ۱۹ مارس خطاب به مجاهدین سومالیایی پیرامون سرنگونی دولت شیخ شریف و اعلان جهاد علیه وی، مجاهدین سلفی را این‌گونه مورد خطاب قرار داد: «این‌گونه رؤسای جمهوری وکلای دشمنان ما هستند، آنان به هیچ وجه دارای ولایت بر ما نبوده و شیخ شریف از این قبیل افراد است. لذا خلع وی از ریاست جمهوری و جنگ با او لازم و ضروری است. جنگی که در خاک شماست، جنگ اسلام و مسیحیت جهانی

است، ناتو و امثال آن برای اتیوپی مهم هستند و آنان و موکلینشان زمانی که در نبرد با شما شکست بخورند به مکر و فریب روی آورده و کسانی را بر شما مسلط می‌کنند که از گوشت و خون شما ولی مقلد غرب باشند و رئیس جمهور سابق «عبد الله یوسف» نمونه این‌گونه افراد است.

رهبر «القاعده»، شیخ شریف را پس از بیان این‌که پیش از این در کنار مجاهدان اسلامی بوده و پس از آن فریفته توانایی آمریکا شده است را متهم به همکاری با «نیروهای غربی» کرد و گفت: «شیخ شریف پیش از این رئیس اتحادیه محاکم اسلامی و در کنار مجاهدان اسلامی بود، اما به دلیل فریب خوردن از فرستاده آمریکا در کنیا از افکار خود برگشت و با کنار هم قرار دادن قوانین وضعی کفار و قوانین اسلامی برای برپایی حکومت وحدت ملی موافقت کرد و این شرک اکبر است».

اقدامات اخیر دولت اوپاما در حمایت از ارتش پاکستان و در راستای وارد آوردن فشار به نیروهای «القاعده» در منطقه «سوات» این کشور، منجر به انتقام‌گیری بن لادن رهبر «القاعده» از دولت اوپاما خواهد شد. بر اساس آخرین گزارش‌ها از روزنامه‌های سومالیایی، نیروهای اسلام‌گرای مخالف دولت و در رأس آن‌ها «الشباب المجاهدین» در فاصله ۳ کیلومتری از کاخ ریاست جمهوری قرار دارد. اگر چه اخباری مبنی بر تلاش کنیا، اتیوپی و آمریکا برای ایجاد یک پل هوایی برای ارسال کمک‌های فوری به منظور حمایت از نیروهای دولت انتقالی سومالی وجود دارد، اما باید توجه داشت این مسئله دقیقاً همان چیزی است که بن لادن بی‌صبرانه منتظر وقوع آن بود، تا بتواند به این وسیله شیخ شریف را که متهم به غربی بودن کرده بود به اثبات برساند و در پایان میان صفوف مختلف سومالی ایجاد تفرقه کند و مردم را بر علیه شیخ شریف بشوراند.

با این اوصاف روزگار سختی در انتظار سومالی است، خصوصاً پس از دعوت رئیس پارلمان سومالی از کشورهای همسایه به منظور مداخله برای نجات دولت شریف، دوباره سناریوی سال ۲۰۰۶ و ورود اتیوپی به سومالی برای سرنگونی اتحادیه محاکم اسلامی - که شیخ شریف ریاست آن را بر عهده داشت - در حال شکل‌گیری است. این به این معناست که میان دولت «عبد الله یوسف» و «شیخ شریف» هیچ تفاوتی وجود ندارد. چرا که هر دو علی‌رغم مخالفت ملت سومالی، برای نجات خود به کشورهای همسایه خصوصاً اتیوپی است که دشمن دیرینه و تاریخی سومالی محسوب می‌گردد متوسل شدند. حال سوالی که مطرح می‌گردد این است که، چنانچه دولت هم‌جوار و به دنبال آن آمریکا از رسیدن نیروهای اسلام‌گرا به کاخ ریاست جمهوری جلوگیری کنند، پس از آن چه روی خواهد داد؟

تهدیدهای داخلی و خارجی

در اواخر سال ۲۰۰۶ اتیوپی موفق به سرنگونی اتحادیه محاکم اسلامی در سومالی شد و با برجای گذاشتن خسارت‌های سنگین، باعث اخراج اسلام‌گرایان از سومالی شد و در پایان در سال ۲۰۰۹ از سومالی خارج شد. به نظر می‌رسد تحقق آشتی ملی در سومالی با توجه به جمعیت ۱۰ میلیونی و گذشت بیش از ۱۸ سال از ریختن خون سومالیاییان که هنوز هم ادامه دارد و در نظر گرفتن نیروهای قبیله‌ای که دارای منافع و مصالح مختلف بوده و نیروهای دینی که به دلیل صلح شیخ شریف با «استعمار» برای کسب قدرت، بر وی نام «کرزای سومالی» را نهاده و آماده رویارویی با وی هستند کار دشواری به نظر می‌رسد.

آن چه باعث ناراحتی می‌گردد رویارویی دوستان سابق شیخ شریف همچون جنبش «الشباب»، ائتلاف برای آزاد سازی سومالی جناح اسمره به رهبری حسن طاهر اویس و جبهه اسلامی سومالی می‌باشد. در این حالت تصویری تاریک از مبارزات آزادی خواهانه سومالی به ذهن متبادر می‌گردد زیرا کسانی که ملت سومالی برای پایان دادن به جنگ بدان‌ها پناه برده‌اند؛ در واقع افرادی هستند که برای کسب قدرت در تلاش هستند. از بُعد خارجی نیز تهدیداتی که شیخ شریف با آن مواجه است، مخالفت دولت‌های منطقه‌ای مانند اریتره به بهانه نفوذ آمریکا و اتیوپی در این کشور است، که شیخ شریف را نماینده این نفوذ می‌دانند. در راستای خطرات سابق، بسیاری معتقدند عمر دولت شیخ شریف که در فوریه گذشته اقدام به تشکیل آن نمود، طولانی نخواهد بود لذا راه‌حل برای این مسئله برگزاری کنفرانسی فوری متشکل از تمامی گروه‌های سومالیایی به منظور رسیدن به توافقی پیرامون اوضاع سیاسی کشور و عدم اتکا به نیروهای حافظ صلح (اتحادیه آفریقا و سازمان ملل) - چرا که ملت سومالی حضور بیگانه‌گان در کشور را نمی‌پذیرد - توسط اتحادیه عرب و اتحادیه آفریقا است.

رابطه کنیا با بحران سومالی

کشور کنیا به دلیل ترس از ورود سازمان یافته افراد و سلاح از مرزهای سومالی، به دنبال انفجارهای سال ۱۹۹۸ در سفارت آمریکا واقع در نایروبی و هتل اسرائیلی در « مومباسا» و نیز تشکیل «اتحادیه محاکم اسلامی» در سومالی (سال ۲۰۰۶)، تعداد زیادی نیروی نظامی در مناطق شمالی و همجوار سومالی مستقر کرده است. با مداخله اتیوپی در امور داخلی سومالی و اخراج «اتحادیه محاکم اسلامی» از مگادیشو توسط اتیوپی در اوائل ۲۰۰۷، کنیا نیز سیاست منفعلانه خود را در قبال این کشور تغییر داده و همچنان که مرزهای خود را - در حدود ۱۲۰۰ کیلومتر - بسته نگه داشت، اقدام به

انجام برخی تحرکات نظامی به منظور نابودی «اتحادیه» کرد. در نتیجه این اقدامات منجر به افزایش درگیری میان دولت کنیا و اسلام گرایان به طور عام و جنبش «الشباب» به طور خاص شد.

«الشباب» به دلیل ورود غیر قانونی از مرزها و حمله به پلیس کنیا، یک تهدید برای کنیا محسوب می گردد. در همین راستا «شیخ عبدی گانی محمد» معاون استاندار کیسماوی جنوبی که از اواسط سال ۲۰۰۸ تحت سلطه «الشباب» قرار دارد؛ اخیراً اعلام کرد: «در صورتی که کنیا تحرکات مرزی خود را خاتمه ندهد با این کشور وارد جنگ خواهیم شد» وی در مصاحبه با خبرگزاری «رویتر» اضافه کرده است: «ما دیگر تحمل تجاوزهای کنیا را نداریم. ارتش کنیا در جنوب «طوبلی» و دیگر شهرهای جنوب سومالی چه کار می کند؟ وی همچنین افزود: «چنانچه کنیا اقدامات خود را پایان ندهد، نیروهای خود را از مرزها عبور داده و در داخل اراضی کنیا خواهیم جنگید».

این در حالی است که پیش از این «الشباب» در دسامبر سال ۲۰۰۸ از طریق شهر مرزی «ایلواگ» از مرزها عبور کرده و دو راهبه ایتالیایی را ربوده و به مدت ۱۱۰ روز در مگادیشو زندانی کرده بود. کنیا با اطلاع یافتن از افزایش جمع آوری نیرو توسط «الشباب» ۱۰ هزار سرباز آموزش دیده دولتی را در اختیار دولت انتقالی سومالی قرار داد که انتشار این خبر منجر به هجوم اسلام گرایان مسلح سومالیایی به کنیا شد. همچنان که «شیخ مختار روبو» سخنگوی «الشباب» در آن زمان اعلام کرد: چنانچه کنیا از حمایت دولت انتقالی سومالی و حمایت از دولت شیخ شریف دست برندارد، نیروهای خود را به جهاد در این کشور دستور خواهد داد.

از سوی دیگر دولت کنیا در تلاش برای ایجاد آرامش داخلی است. همچنان که «موسی ویتانگولا» وزیر امور خارجه کنیا در یک کنفرانس مطبوعاتی اعلام کرده است: نیروهای پلیس دیپلماتیک در حالت آماده باش کامل به سر می برد. اگر چه در سایه این اتفاقات مرز کنیا همچنان غیر قابل عبور و مرور است و دولت کنیا اعلام کرده تا ایجاد

امنیت کامل در دولت همسایه، مرزهای خود را بسته نگه خواهد داشت، زیرا در غیر این صورت منطقه دچار نا امنی خواهد شد.

مشکلات فراروی دولت کنیا

دولت کنیا علی رغم برتری تئوریک و سیاسی در قبال تحركات «الشباب» احساس خطر می کند همچنان که «رالیا اودینگا» نخست وزیر کنیا در اوت ۲۰۰۸ و هنگامی که در برابر هزاران سومالیایی در منطقه «اسلی» واقع در نایروبی سخن می گفت، اعلام کرد: «سومالی امنیت داخلی و خارجی کنیا را تهدید می کند». «مبارزه دولت کنیا با تروریست‌ها مادامی که سومالی دارای دولتی بی قانون است، ادامه خواهد یافت...» «کنیا در آستانه انفجار ناشی از ورود مهاجرینی است که در سه سال اخیر به این کشور وارد شده‌اند و تا کنون جمعیت آن‌ها به ۳ میلیون نفر رسیده است.» وی افزود: «مشکل دیگری که پناهندگان سومالیایی با خود به همراه می آورند، ترویج افکار افراط گرایانه در کنیا است.» در داخل کنیا بسیاری از مسلمانان خصوصاً مسلمانان سومالیایی تبار معتقدند: «گروه الشباب در حال حاضر برای ترویج افکار خود در میان جوانان، دارای بیشترین تأثیر و توانایی در طول زمانهای گذشته بوده و این مسئله پس از سیطره «الشباب» بر مناطق «الواگ» و «بلدحاو» بیشتر نیز شده است.

مشکل دیگر کنیا در رابطه با سومالی، صدور مهاجرین سومالیایی به این کشور است. دولت کنیا به دلیل ترس از سقوط دولت داخلی در نتیجه فشار مردم مسلمان داخلی، مسائل مربوط به پناهندگان از جمله مشکلات اجتماعی، بهداشتی؛ آموزشی و... سعی می کند با حمایت از دولت انتقالی سومالی از نوع سیاست رادیکال آرام استفاده کند.

این در حالی است که کارشناسان معتقدند جنبش «الشباب» از زمان سیطره بر بخش اعظم مناطق جنوبی و قسمت‌هایی که دارای مرز مشترک با کنیا است به عنوان یک خطر فکری و نظامی برای این کشور محسوب می گردد.

بر اساس گزارشات مربوطه، در عرصه فکری این جنبش در ارتباط غیر مستقیم با نسل جوان است. همچنان که علی رغم کثرت اقدامات امنیتی کنیا برای مراقبت و زیر نظر داشتن تحرکات الشباب در برخی شهرهای مرزی کنیا «الشباب» فعالیت‌های خود را در میان نسل جوان دنبال می‌کند.

از لحاظ نظامی هر دو طرف در موضع «ترس و رغبت» قرار دارند. چرا که هر دو طرف خواهان غلبه نظامی بر دیگری و تحقق اهداف نظامی، به منظور دوری از خطرات احتمالی هستند و نیز هر دو طرف در هراس از مواجهه مستقیم هستند. زیرا «الشباب» به دلیل ترس از شکست و سستی و کنیا به دلیل برخورد جریان‌های اسلامی داخل کنیا که ممکن است حالتی از هرج و مرج و بی قانونی را به وجود بیاورد.

« عبد الله عبدالرزاق » تحلیل‌گر سیاسی در «المجله» معتقد است: «خطری که ممکن است از سوی «الشباب» متوجه کنیا گردد خطر فکری است. به‌طور مثال جنبش «الشباب» اقدام به گرفتن نیرو از برخی جوانان در مناطق سومالیایی در کنیا کند و سپس با باز گرداندن این افراد به کنیا به ترویج افکار دینی افراطی اقدام کند و شعبه‌هایی از «الشباب» را در کنیا ایجاد کند.

لذا بسیاری از مسلمان کنیایی از اقدامات آتی دولت این کشور در عملیات «جنگ با تروریسم» و فشارهای وارده بر مسلمانان این کشور در هراسند. و حتی این مسئله محتمل است که «جنگ علیه تروریسم» منجر به بسته شدن بسیاری از دفاتر مؤسسات کمک‌رسانی اسلامی در کنیا که نیازهای مسلمانان این کشور را تأمین می‌کنند، گردد.

سعید آقا علیخانی

کارشناس گروه آفریقا



شپوشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی